



بازار کار آمریکا

موتور خاموش اشتغال

استناد به تجربه‌های تاریخی شاید بتواند به کمک مشکل بیکاری در آمریکا بیاید، اما علایم، وضعیت متفاوتی را نشان می‌دهند.

تابستان ۱۹۸۴ - دو سال پس از پایان رسمی رکود اقتصادی سال ۱۹۸۲ - مبارزه انتخاباتی رانالد ریگان که تلاش می‌کرد برای دور دوم ریاست جمهوری انتخاب شود، آغاز شده بود. دور اول ریاست جمهوری ریگان از نظر اقتصادی دوران پُرجنگالی بود که طی آن نرخ بیکاری آمریکا به ۱۰/۸ درصد - بالاترین رکورد پس از جنگ جهانی دوم - رسید. در این بین و در شرایطی که آمریکا همچنان از نرخ بالای بیکاری (۷/۵ درصد) رنج می‌برد، رئیس جمهور آمریکا صریحاً اعلام کرد: "امروز مردان و زنان، بیش از هر زمان دیگر در تاریخ آمریکا شاغلند."

اکنون باراک اوباما در بهار ۲۰۱۰ شرایط مشابهی را تجربه می‌کند. رونق اقتصادی از ۱۰ ماه گذشته آغاز شده، اما اشتغال چندان جهشی نداشته است. اگر اوباما هم قصد دارد برای دور دوم خود پا جای پای ریگان بگذارد (که تا آن زمان سه سال از بازگشت رونق به اقتصاد گذشته است) اقتصاد آمریکا نیازمند این است که بیش از ۳ میلیون شغل در سال ایجاد کند. چنین رقمی حتی در طول یک دهه هم اتفاق نیفتاده است.

با آغاز نشانه‌های رکود اقتصاد آمریکا، نرخ بیکاری با سرعتی بی‌امان افزایش یافت که این افزایش بیشترین میزان از زمان رکود بزرگ آمریکا بوده است. البته درست است که اخیراً اشتغال تا حدی در حال افزایش بوده و این امکان هم وجود دارد که با کاهش بیکاری دوره‌ای، وضعیت اشتغال در ماه‌های آینده رونق بیابد، اما این رونق هنوز برای

میلیون‌ها کارگری که در دوران رکود بیکار شده‌اند، شغل ایجاد نکرده است. چنین اتفاقی بر خلاف آن چیزی است که اقتصاددانان از آن به عنوان قانون اُکان (Okun's Law) که رابطه تجربی بین تغییرات محصول ناخالص داخلی و بیکاری را بررسی می‌کند، یاد می‌کنند.

به منظور ریشه‌یابی این اتفاق، بهتر است رکود اقتصادی اخیر به سه مرحله تقسیم شود. مرحله اول به سال ۲۰۰۸ برمی‌گردد که در آن کارگران - به ویژه در نیمه دوم سال - با سرعت هر چه بیشتر تعدیل می‌شدند. همزمان، تعداد پُست‌های خالی و میزان استخدام نیرو سقوط قابل توجهی کرد و افرادی که طی این مدت شغل خود را از دست داده بودند، دیگر امیدی برای یافتن شغل تازه نداشتند. مرحله دوم که اوایل سال ۲۰۰۹ آغاز شد، با فراز و فرود فراوان تعدیل نیروها همراه بود، اما شرکت‌ها همچنان تمایل چندانی به استخدام نیروهای جدید نداشتند. بطور کلی، در نیمه نخست سال ۲۰۰۹ کاهش استخدام نیرو همچنان ادامه داشت.

در نهایت از اواسط سال گذشته، مرحله شگفت‌انگیز سوم آغاز شد. با بهتر شدن وضعیت اقتصادی، شرکت‌ها آگهی‌های جدید استخدام منتشر کردند. اما با وجود سیل عظیم کارگران بیکار مانده، جذب نیرو جهش قابل توجهی نداشت. این الگو تا سال ۲۰۱۰ نیز ادامه یافته است. ۱۳/۵ میلیون آمریکایی در حال حاضر بیکار هستند و نرخ بیکاری همچنان نزدیک ۱۰ درصد باقی مانده است.

در این سرفصل همچنین می‌خوانید:

۵۰ حسین و حامد: تردید و سازش

۵۱ دومینوی بدهکاری اروپا

۵۱ توسعه سرنیزه‌ای

۵۲ جنگ اختیاری یا صلح اجباری؟

۵۳ تحولات اقتصادی جهان

۵۴ تحولات سیاسی جهان

۵۴ طرح ماه

آسیب‌های طولانی مدت ناشی از رکود اقتصادی برای مردم آمریکا ناآشنا نیستند. پس از رکود سال ۱۹۹۱ نزدیک به ۲۳ ماه و پس از رکود سال ۲۰۰۱، ۲۹ ماه طول کشید تا اشتغال به نقطه اوج پیش از رکود خود بازگردد. اما اکنون علایمی وجود دارند که نشان می‌دهند وضعیت کنونی ماهیت دیگری دارد. پس از رکود سال ۲۰۰۱ و ۹ ماه پیش از این که تعداد پُست‌های خالی افزایش یابند، سطح استخدام شروع به بالا رفتن کرد. اکنون پُست‌های خالی در حال افزایش‌اند، اما تعداد استخدام‌ها افزایش نمی‌یابد.

در مراحل اول و دوم رکود اقتصادی، واضح است که دلیل پُر نشدن مشاغل تازه ایجاد شده، به تقاضا باز می‌گردد. در این مدت، تولید واقعی ۳/۷ درصد سقوط کرد که این رقم بیشترین کاهش تولید پس از جنگ جهانی دوم بوده است. آسیب‌دیدگی تجارت جهانی و تقاضای مصرف‌کننده، تولید شرکت‌ها و در پی آن صورت پرداخت‌ها را کاهش داد. این روند همچنان ادامه دارد و پیش‌بینی فدرال رزرو حاکی از رشد حدوداً ۳ درصدی محصول ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۰ و نزدیک به ۴ درصدی این شاخص در سال ۲۰۱۱ است، هر چند صندوق بین‌المللی پول، چنین آماري را اغراق آمیز خوانده است.

در کل، بررسی دلایل افزایش بیکاری آمریکا نشان می‌دهد که رکود اقتصادی، آسیب‌شدیدی به برخی صنایع، از جمله تولید صنعتی و ساخت و ساز وارد کرده است. مشاغلی که در این بخش‌ها از بین رفته‌اند، در صورت بازگشت، روند کُندی خواهند داشت. به علاوه، عوامل جغرافیایی و افزایش بی‌اندازه مزایای بیکاری می‌تواند از جمله دلایل مهم این کُندی تلقی شوند.

تجربه‌های تاریخی، درس‌های بزرگ

پیش‌بینی اثرات بلند مدت چنین وقایعی - به خصوص در زمانی که رکود، تازه به پایان رسیده - مشکل

رسانه‌های بین‌المللی را به توطئه‌چینی علیه خود و دخالت در امور داخلی افغانستان متهم کند.

در نتیجه، مدیریت روابط با حامد کرزای بخشی از چالش بسیار بزرگتری است که آمریکا برای جلب حمایت سیاسی جنگ ۹ ساله در افغانستان با آن روبه‌رو است؛ جنگی که طبق نظرسنجی اخیر روزنامه واشنگتن پست و خبرگزاری ای‌بی‌سی نیوز، اکثر مردم آمریکا همچنان با آن مخالفند. پنجاه و دو درصد پاسخ‌دهندگان به این نظرسنجی معتقدند چنین جنگی فاقد ارزش است و نشان می‌دهد حمایت شدیدی که هنگام اعلام استراتژی جدید آمریکا در افغانستان وجود داشت، دیگر از بین رفته است.

استراتژی مصالحه

باید گفت چالش‌های اخیر تا حدی نتیجه مستقیم اقدامات خود رئیس جمهور آمریکا است. بر خلاف جرج بوش، اوایاما روابط شخصی چندانی با کرزای برقرار نکرده است و حتی هنگام بررسی استراتژی جنگ افغانستان در سال گذشته، در مورد قابلیت ماندن وی به عنوان شریک این جنگ دچار تردید شده بود. اما اوایاما قصد دارد این ارتباط را تغییر دهد. در این رابطه، سفیر آمریکا و نماینده ویژه اوایاما در منطقه را هم می‌توان دو شخصیت تأثیرگذار دانست. به گفته دیپلمات‌های حاضر در افغانستان و تحلیل‌گرانی که به منطقه سفر می‌کنند، کرزای هیچ‌گاه نتوانسته است به کارل آیکنبری و ریچارد هالبروک اعتماد کند.

به عقیده سفیر سابق آمریکا در بغداد، موفقیت طرح افزایش تعداد نیرو در عراق تا حد زیادی به دلیل اتحادی بوده است که او و ژنرال دیوید پترائوس، فرمانده ارتش آمریکا در منطقه، در مقابل نوری المالکی نشان می‌داده‌اند. رایان کراکر، روابط شخصی بوش با مالکی را که از طریق ویدئو کنفرانس با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند، عامل دیگر این موفقیت می‌داند.

در هر حال، دیدار واشنگتن، هراسی را که حامد کرزای به آن دچار شده بود از بین برد، زیرا وی به این اطمینان رسید که تعهدات آمریکا در قبال افغانستان تا مدت‌ها پس از ضرب‌الاجل خروج نیروهای این کشور از خاک افغانستان در ژوئیه ۲۰۱۱ ادامه خواهد یافت. چنین رابطه دراز مدتی، حمایت‌های دیپلماتیک و اقتصادی عمیق‌تر آمریکا را شامل می‌شود. در این دیدار، باراک اوایاما چندین بار عنوان کرده آمریکا به دنبال پیروزی نظامی در افغانستان نیست، بلکه به دنبال یک توافق سیاسی است. اگر چنین توافقی حاصل نشود، کشمکش در این قسمت از جهان همچنان ادامه خواهد داشت. ■

هستند. در این بین، در شرایطی که افراد تحصیلکرده طی رکود اقتصادی، کمتر شغل‌های خود را از دست داده‌اند، نرخ بیکاری در میان کارگرانی که تحصیلات دبیرستانی خود را به پایان نرسانده‌اند، به ۱۵/۶ درصد رسیده است.

در نهایت باید گفت موتور اشتغال آمریکا به طرز نامطلوبی از کار افتاده است و شاید کمک‌های مالی دولت برای استخدام، بتواند با بیکاری دوره‌ای مقابله کند. سرمایه‌گذاری در آموزش و تحصیلات بالاتر هم می‌تواند مشکلات ساختاری را برطرف کند. مهم این است که دولت آمریکا نمی‌خواهد اشتباهات هزینه‌بری مرتکب شود. بنابراین، آمریکا باید همان‌طور که در مواجهه با رکود از اتفاقات دهه ۳۰ درس گرفت، برای عواقب بعد از آن، وقایع دهه ۷۰ و ۸۰ را هم به یاد داشته باشد. ■

به نظر می‌رسد. اما در برابر دگرگونی‌های ناگوار احتمالی که بر سر راه بسیاری از مردم آمریکا قرار دارند، تجربه سال‌های گذشته، راه‌هایی را پیش پا می‌گذارند.

اکثریت کارگران اخراج شده، به احتمال فراوان قدرت درآمدی سابق خود را باز نخواهند یافت. مطالعه در مورد افرادی که بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۲ شغل‌های ثابت خود را از دست داده بودند نشان می‌دهد که درآمدهای این افراد به یکباره با کاهش ۳۰ درصدی همراه شده است. همچنین سطح درآمد فارغ‌التحصیلاتی که تازه وارد بازار کار می‌شوند، نسبت به چند سال گذشته کمتر خواهد بود. ارزیابی‌ها نشان می‌دهند هر واحد درصد افزایش در نرخ بیکاری آمریکا، ۶ تا ۷ درصد کاهش در دستمزد اولیه را به همراه دارد. به علاوه، نابرابری‌های درآمدی هم در حال افزایش

روابط اوایاما و کرزای

حسین و حامد: تردید و سازش

در جنگی ۹ ساله که با ناراضی مردم آمریکا و افغانستان روبه‌رو است، روابط واشنگتن و کابل به کدام سو می‌رود؟

رابطه با عدم مشروعیت و ارزش کرزای برای عملیات ضد شورشی به رهبری آمریکا فرستاده بودند.

عصبانیت کرزای هنگامی شدت یافت که وی رونوشتی از اظهارات توهین آمیز مشاور امنیت ملی اوایاما دریافت کرد. چند روز پس از آن، کرزای دریافت که یکی



سفر اخیر رئیس جمهور افغانستان به واشنگتن که در اصل به منظور کاهش تنش‌ها میان دو کشور صورت گرفته بود، با دستاوردهای دو جانبه آشکاری به پایان رسید.

دولت اوایاما به منظور مهار فساد در افغانستان، ماه‌ها بر حامد کرزای فشار آورده بود که این

امر به تهدید کرزای به پیوستن به طالبان منجر شد. اما در دیدار اخیر، در کنار وعده‌های برقراری روابط استراتژیک طولانی مدت، آمریکا به کرزای قول داد از کشتار غیرنظامیان در افغانستان بپرهیزد و کرزای نیز به اوایاما اطمینان داد در راستای پیشرفت دولت و حمایت از تلاش‌های آمریکا در قندهار اقدام کند.

پس از ماه‌ها کشمکش میان سران دو کشور و اظهارات تندی که علیه حامد کرزای از سوی مقامات آمریکا مطرح شده بود، باراک اوایاما به صراحت مقامات امنیت ملی خود را ملزم کرد با رئیس جمهور افغانستان رفتار محترمانه‌تری داشته باشند. مقامات دولتی اوایاما در ماه‌های اخیر، پیام‌های مختلفی در

از مقامات آمریکا تهدید کرده است احمد والی کرزای، برادر ناتنی وی و والی استان قندهار را در لیست محکومین به مرگ یا دستگیری ارتش آمریکا قرار خواهد داد، در حالی که چند ماه پیش از آن متقاعد شده بود برادرش با وجود اتهامات مکرر به فساد و دست داشتن در قاچاق مواد مخدر، در پست خود باقی می‌ماند. پس از آن، مجلس افغانستان درخواست کرزای را برای تغییر قانون انتخابات که به او اجازه می‌داد کنترل بیشتری بر بدنه ناظر بر تقلب در انتخابات داشته باشد رد کرد. این درخواست از سوی دولت اوایاما با مخالفت روبه‌رو شده بود و منجر به این شد که حامد کرزای، سازمان ملل، آمریکا و